

# نقد و بررسی دیدگاه رضوی فیزر درباره «جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبر ﷺ» در دایرةالمعارف لیدن

زهرا قطبی<sup>۱</sup>

سیدمجید نبوی<sup>۲</sup>

## چکیده

دین اسلام در طول تاریخ همواره مورد توجه خاورشناسان بوده و به همین سبب پژوهش‌های زیادی نیز از سوی آنان صورت گرفته است؛ یکی از این پژوهش‌ها، نگارش دایرةالمعارف لیدن است؛ این اثر شش جلدی در هلند، از سوی «جین دمن مک اولیف» و چند تن دیگر از قبیل «کلودژیلیوت» از فرانسه، «ویلیام گراهام» از آمریکا، «وداد کدی» از شیکاگو و «آندرو رپین» از کانادا، در سال ۲۰۰۱ آغاز و با همکاری هیئت مشاوران ارشد آن در سال ۲۰۰۶ به سرانجام رسید؛ در این دایرةالمعارف، «رضوی فیزر» مدخلی با عنوان «جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها» نوشته و در آن به پیامبر اسلام ﷺ نسبت جنگ طلبی داده است؛ نگارندگان این مقاله، ابتدا به بیان محورهای این مدخل و بررسی قوت و ضعف آن پرداخته، سپس این‌گونه نسبت‌ها را نقد و بررسی می‌کنند؛ لازم به ذکر است که تاکنون کسی به طور جداگانه به نقد و بررسی این مدخل دایرةالمعارف لیدن نپرداخته است؛ هدف این پژوهش بررسی درستی و نادرستی مطالبی است که رضوی فیزر بیان می‌کند.

واژگان کلیدی: مستشرقان، قرآن و جنگ، پیامبر ﷺ، روایات ضعیف

۱. زهرا قطبی، کارشناس ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم معارف؛ (ghotbizahra@gmail.com).

۲. سیدمجید نبوی، دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اراک؛ (majidnabavi1366@gmail.com).

نگارش دایرةالمعارف لیدن<sup>۱</sup> ابتدا در هلند و به وسیله جین دمن مک اولیف<sup>۲</sup> و چند تن دیگر از قبیل کلودژیلیوت<sup>۳</sup> از فرانسه، ویلیام گراهام<sup>۴</sup> از آمریکا، وداد کدی<sup>۵</sup> از شیکاگو، آندرو رپین<sup>۶</sup> از کانادا آغاز شد؛ نصر حامد ابوزید<sup>۷</sup>، محمد ارکون<sup>۸</sup>، جerald هاورتینگ<sup>۹</sup> (انگلستان)، فردریک لیم هیوس<sup>۱۰</sup> (هلند)، آنجلی کانپورت<sup>۱۱</sup> (آلمان) و یوری رابین<sup>۱۲</sup> از دانشگاه تلاویو، هیئت مشاوران ارشد آن بودند؛ این اثر در پنج جلد با هدف پدیدآوردن بهترین یافته‌های قرآنی در مدخل‌های گوناگون تدوین یافت؛ سپس در یک جلد به انواع نمایه‌ها، مانند نام مدخل‌ها و معرفی نویسندگان همکار پرداخته شده است؛ این دایرةالمعارف در سال ۱۹۹۳ میلادی شروع و جلد اول آن در سال ۲۰۰۱ از سوی انتشارات بریل چاپ شد؛ «رضوی فیزر» نگارنده یکی از مدخل‌های این دایرةالمعارف، با موضوع جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها است؛ با توجه به شهرت این دایرةالمعارف، لازم است که به نقد و بررسی این مدخل و برخی شبهات، مانند اتهام جنگ طلب بودن پیامبر اسلام، پرداخته شود؛ در رابطه با موضوع «جنگ‌های پیامبر از دیدگاه مستشرقان» نگاشته‌هایی مانند «نقد دیدگاه مستشرقان درباره جنگ‌های پیامبر اعظم (بارویکردی قرآنی)» وجود دارد که در آن به اهداف جنگ‌های پیامبر اکرم ﷺ از نظر مستشرقان پرداخته شده است؛ اما نوشته حاضر برای نخستین بار به بررسی و نقد مدخل جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها در دایرةالمعارف لیدن پرداخته است؛ در این نوشتار با مراجعه به قرآن و منابع حدیثی و تاریخی از شیعه و اهل سنت روشن می‌گردد؛ مراجعه نکردن خاورشناسان به منابع معتبر و تطابق صحیح آن روایات، با آیات قرآن سبب برداشت ناصحیح شده است؛ حال آنکه اجرای هر یک از احکام جهاد توسط پیامبر ﷺ بر اساس قوانین و احکام عقل‌پسندانانه و حکیمانه بوده

۱. Encyclopaedia of the Quran.

۲. Jane Dammen McAuliffe

۳. Claude giliot.

۴. William graham.

۵. Wedad kadi.

۶. Andrew rippin .

۷. Nasr hamid abu –zayd.

۸. Mohammed arkoun.

۹. Gerald r .hawting .

۱۰. Fredrik leemhus.

۱۱. Angelika neuwirth.

۱۲. Uri rubin.

است؛ نه صرف جنگ طلبی و خونریزی‌های بی‌اساس، که از سنت حضرت رسول ﷺ به دور است؛ نگارش حاضر ابتدا به معرفی رضوی فیزر و مدخل جنگ در دایرةالمعارف لیدن پرداخته، سپس به جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبران پیشین اشاره می‌کند؛ در ادامه مقاله نقاط قوت و ضعف مدخل جنگ ذکر می‌شود و سپس در انتها نقد و بررسی محتوای محورهای مدخل جنگ بیان می‌گردد.

## ۱- معرفی مدخل جنگ در دایرةالمعارف لیدن

رضوی فیزر یکی از نویسندگان مدخل دایرةالمعارف لیدن است؛ او مقاله جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها را با تعریفی از جنگ که شامل تهاجم برای چپاول و کشتار است، آغاز نموده و در ادامه به معناشناسی و ریشه‌یابی واژگانی پرداخته که پیرامون موضوع جنگ و بار معنایی آن آمده است؛ مدخلی که فیزر نگاشته، در ده صفحه و پنج محور با عناوین جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها، جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبران پیشین، جنگ‌های تاریخی، جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیشگویی شده، جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبر اسلام است؛ مدخل وی دارای ساختاری مناسب و طبقه‌بندی شده است؛ بیشتر مطالب فیزر دارای ارجاع دارد و غالب ارجاع‌های به کار برده شده، از منابع اهل سنت و مربوط به قرون اولیه است؛ نقش فیزر در این مقاله تقریباً به صورت یک گزارشگر است و کوشیده در قالب نظراتی که با آن موافق بوده عقیده خود را بیان نماید؛ او در مدخل خود به برخی جنگ‌ها اشاره کرده است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

### ۱-۱- جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبران پیشین

رضوی فیزر اشاره‌های متعدد مبارزات پیامبران پیشین علیه بت پرستی را پیامی دلگرم‌کننده برای حضرت محمد ﷺ می‌داند؛ وی برای اثبات جنگ‌های پیامبران پیشین با لفظ جنگ به ماجرای طالوت و جالوت اشاره می‌کند؛ فیزر آیات ۲۲ تا ۲۹ سوره مائده - که در مورد سرباز زدن قوم بنی‌اسرائیل برای به تصرف در آوردن سرزمین موعود است - را در اصل همان داستان جاسوسان در کتاب مقدس که در سفر اعداد ذکر شده است، می‌داند.

### ۱-۲- جنگ‌های تاریخی

فیزر این مدخل را چنین آغاز می‌کند:

مفسران چهار بخش خاص قرآن، یعنی آیات ۴-۸ سوره اسراء، ۱-۵ سوره روم،

۴-۹ سوره بروج و ۱-۵ سوره فیل را اشاره به وقایع تاریخی مشخصی می‌دانند که

قبل از حیات محمد ﷺ یا طی آن اتفاق افتاده است.<sup>۲</sup>

۱. با جست‌وجوهای به عمل آمده، درباره شخصیت و بیوگرافی رضوی فیزر اطلاعاتی به دست نیامد.

۲. دایرةالمعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۵.

وی معتقد است که هریک از آیات، معضلات و ویژه خود را دارند که مفسران مختلف به حل آن پرداخته‌اند و هدف مفسران را از حل معضلات این آیات، اثبات خاتمیت و افضلیت حضرت محمد ﷺ بر دیگر پیامبران و آشکار ساختن اعجاز قرآن، از جمله قابلیت غیب‌گویی آن می‌داند؛ وی سپس برداشت‌های نقل شده از تفاسیر شیعه و اغلب سنی، در مورد آیات ابتدایی سوره اسراء را بیان می‌کند و به نقد برخی مطالب آنها می‌پردازد؛ فیزر در مورد آیات ابتدایی سوره اسراء به مطلبی از تفسیر طبری<sup>۱</sup> اشاره می‌کند که وی به نقل از اسماعیل سدی، مفسر کوفی، علت تخریب بیت المقدس به دست بُخْتَنْصُر را چنین می‌گوید:

یحیی، که به پادشاه یهود هشدار داده بود نباید با زن دلخواهش ازدواج کند، سرش از تن جدا شد و به نقل از بلعمی بیان می‌کند که بنی اسرائیل معمولاً حاکمان ستمگر را بُخْتَنْصُر می‌نامیدند.

فیزر پیوند اجتناب ناپذیر میان عهد عتیق و عهد جدید را در تفسیر این آیه، به نحوی که بر جایگاه قرآن در سلسله وحی‌های خداوند خدشه‌ای وارد ننماید، حائز اهمیت می‌داند؛<sup>۲</sup> نویسنده، نظر مفسر شیعی قرن سوم، علی بن ابراهیم قمی، در مورد این آیه را چنین نقل می‌کند: آیه اشاره‌ای تمثیلی به ظلم و جور بنی‌امیه در حق پیروان علی علیه السلام است، که با قتل عام امام حسین علیه السلام و خانواده‌اش در کربلا به اوج خود رسید؛ سپس به تفسیرهای گوناگون بیان شده از اهل سنت در مورد آیات اولیه سوره روم<sup>۳</sup> که مربوط به پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان است، می‌پردازد و به قرائت‌های مختلف این آیات اشاره می‌کند؛ در بخش سوم این محور به نقل‌هایی از تفسیرهای مختلف آیات چهار تا نه سوره بروج<sup>۴</sup>، که مربوط به اصحاب اخدود هست، مطالبی را بیان می‌کند و در انتها، به آیات ابتدایی سوره فیل<sup>۵</sup> که مربوط به حمله سپاه ابرهه به مکه است، اشاره دارد و پیامی که سوره فیل به همراه دارد را چنین بیان می‌کند:

تنها خداوند نجات دهنده کعبه بود، که به منزله مکانی مقدس می‌بایست از

۱. ر.ک: جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۳.

۲. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۶.

۳. ﴿غَلَبَتِ الرُّومُ، فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَلَيْهِمْ سَيِّغُلِبُونَ، فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَ مِنْ بَعْدُ وَ يَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ، بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾.

۴. ﴿قَتِلَ أَصْحَابُ الْأُخْدُودِ، النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ، إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ، وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ، وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ، الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾.

۵. ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ، أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضَلِيلٍ﴾.

خونریزی محفوظ می ماند. به تعبیری، این آیات طلّیعه ای هستند بر تجلیل سوره فتح از صلح حدیبیه، که مانع از جنگ و خونریزی در مکه شد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱- جنگ ها و لشکرکشی های پیشگویی شده

فیزر شروع محور بعدی خود را با گزیده ای از تفسیر طبری ذیل آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَكُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۲</sup> آغاز می کند و مدعی می شود با توجه به اینکه سرشت تقلیدناپذیر قرآن، در قابلیت پیشگویی آن نمایان شده است، این آیه به پیشگویی پیروزی ابوبکر بر اهل رده است و منظور از این گروه، کسانی هستند که عده زیادی از آنان از پرداخت زکات سرباز زدند؛ ولی به نقل از مفسران شیعی این آیه، اشاره ای به جنگ های علی ع علیه پیمان شکنان (طلحه و زبیر)، منحرفان از ایمان راستین (خوارج) و ستمگران است؛ یکی از مصداق هایی که فیزر در مورد پیشگویی جنگ ها و لشکرکشی ها عنوان نموده، این است که این لشکرکشی ها مربوط به وقایع آخرالزمان است؛ ولی نظر برخی خاورشناسان، همچون پل کازانو، را مطرح می کند که می گوید: رسالت محمد ص عمدتاً عبارت بود از هشدار به نزدیک شدن پایان جهان یعنی معاد؛ وی معتقد است این امر چنان قدرت تهاجمی به اسلام داد که انجام فتوحات متعدد را میسر ساخت و برای اثبات دلایل خود، اشاره به آیات مکی همچون آیات ابتدایی سوره حج<sup>۳</sup> می کند که به ساعت نزدیک شونده قیامت اشاره دارد و روایتی از ابوالفتوح رازی نقل می کند که می گوید: محمد ص خودش را منادی آن ساعت می دانست و معنای لقب «خاتم پیامبران» در آیه ۴۰ سوره احزاب<sup>۴</sup> نیز بر این مسئله تکیه دارد.

### ۴-۱- جنگ ها و لشکرکشی های پیامبر اسلام

فیزر پس از بیان جنگ های پیامبران پیشین و وقایع تاریخی به برخی از جنگ های پیامبر اکرم ص همچون بدر، احد، خندق اشاره می کند؛ سپس به بیان سبب نزول آیه ۲۱۷ سوره بقره و آیه ۴۱ سوره انفال (خمس غنیمت) و آیه ۱۲۷ سوره نحل می پردازد؛ در ادامه

۱. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۷.

۲. المائده، ۵۷؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید! افرادی که آیین شما را به باد استهزاء و بازی می گیرند- از اهل کتاب و مشرکان- ولی خود انتخاب نکنید و از خدا بپرهیزید اگر ایمان دارید»؛ تمام ترجمه های از ترجمه آیت الله مکارم شیرازی است.

۳. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ، يَوْمَ تَرَوُنَّهَا تُدْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَ مَا هُمْ بِسُكَارَى وَ لَا يَكُنُّ عَذَابُ اللَّهِ شَدِيدًا».

۴. «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَ لَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا».

با توضیح آیه ۱۲۷ نحل<sup>۱</sup> جریان زخمی شدن پیامبر و مثله شدن حمزه بن عبدالمطلب، عمومی پیامبر را بیان می‌کند؛<sup>۲</sup> سپس به سبب نزول آیه ﴿وَمَا أَقَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كَيْفَ اللَّهُ يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۳</sup> - مربوط به فیء، یعنی اموالی که بدون جنگ به غنیمت گرفته شدند و متعلق به پیامبر است - که در خلال حمله به قبیله بنی‌نضیر پس از بر ملا شدن توطئه‌شان برای قتل پیامبر، نازل شد، اشاره می‌نماید که در این حمله، پیامبر ﷺ قبیله بنی‌نضیر را محاصره و سرانجام بدون خونریزی اعضای قبیله خود را تسلیم کردند؛ فیزر، مخالفان پیامبر ﷺ را - یهود و نصاری و مشرکان - که غالباً همگی به «کافران» یاد می‌شدند را معرفی می‌کند؛ او بخش اعظم زندگی پیامبر ﷺ را رویارویی با اعراب بت پرست و یهودیان می‌داند؛ فیزر با استناد به مغازی واقعی حمله به بنی‌قریظه که ظاهراً در سوره احزاب بدان اشاره شده است را شرح می‌دهد.<sup>۴</sup> همچنین در ادامه به نسخ برخی از آیات مربوط به نبرد با یهودیان اشاره و سپس به معناشناسی عبارت ﴿عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾<sup>۵</sup> می‌پردازد. رضوی فیزر پس از بررسی نبردها و برخورد پیامبر ﷺ با یهودیان، مسئله جنگ اسلام با مشرکان را پیش می‌کشد؛ وی معتقد است که دستورهای مختلفی که در مورد مشرکان در قرآن آمد، با یکدیگر مغایرت دارد؛ او می‌گوید: در حالی که آیه «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ»<sup>۶</sup> بر مدارا تاکید دارد، آیاتی مانند ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾<sup>۷</sup> و ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۸</sup> همچنین آیه سیف ﴿فَإِذَا أَنْسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحُرْمَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَاحْضَرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۹</sup> فرمان دیگری

۱. ﴿وَ اضْبِرُّوْا مَا صَبْرِكُمْ اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِيْ صَبِيْحٍ تَمَّائِكُمْ﴾.

۲. رک: دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۸.

۳. الحشر، آیه ۶.

۴. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۸۸.

۵. یکی از تکالیف اهل ذمه پرداخت جزیه است، قرآن می‌فرماید: ﴿قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ﴾؛ (سوره توبه، ۲۹)؛ دریافت جزیه از اهل کتاب در واقع به جهت تأمین هزینه حمایت از جان و مال و امنیت آنان بود که باید با دست خود، آن را می‌پرداختند.

۶. الکافرون، ۶.

۷. در راه خدا ... بجنگید، و [هنگام جنگ از حدود الهی] تجاوز نکنید، که خدا تجاوزکاران را دوست ندارد (بقره، ۱۹۰).

۸. بر شما کارزار واجب شده است، درحالی‌که برای شما ناگوار است (بقره، ۲۱۶).

۹. پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید، بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره

می دهند؛<sup>۱</sup> او همچنین در مورد آیه سیف (شمشیر) می نویسد: نخستین مفسران مسلمان، ترجیح می دادند آیه سیف را در سیاق خودش تفسیر کنند، یعنی متناسب با موقعیت پیامبر به هنگام نزول آیه و در ارتباط با آیات قبلی و بعدی؛ مفسران نخستین معتقدند که آیات یک تا پنج سوره توبه در شب حمله به تبوک نازل شد، زمانی که بسیاری از مشرکان و منافقانی که با پیامبر پیمان همکاری بسته بودند از پیوستن به او در میدان جنگ سرباز زدند؛ هرچند از نظر برخی مفسران مثل سدی، این آیات اعلام متعهدنبودن محمد ﷺ به پیمان با همه مشرکان است؛ در ادامه، نظر طبری، زمخشری، فخر رازی، و بیضاوی را اعلام می کند که آنان حکم قرآن به متعهدنبودن را نمی پذیرند. به اعتقاد آنان، متحدان مشرک محمد ﷺ به دو گروه ستیزه جو و غیر ستیزه جو تقسیم می شوند و متعهد نبودن فقط در مورد مشرکانی است که پیمان خود را زیر پا گذاشته اند؛ همچنین فیزر می افزاید: «طبری تفسیر خود را با روایتی از ابن عباس تأیید می کند: که خداوند به پیامبر حکم کرده بود که اگر مشرکان به پیمان خویش وفادار ماندند... او نیز به پیمانشان احترام بگذارد و بدان وفادار باشد»؛<sup>۲</sup> فیزر در انتها می نویسد که مدت زمان پیمان محمد ﷺ با (مشرکان) خزاغه، که به او وفادار ماندند، نامحدود بود.

فیزر در انتهای مدخل جنگ و لشکرکشی های حضرت محمد ﷺ می نویسد:

این مسئله، مورخان جدید، مثل وات و ولش را بر آن داشت که مدعی شوند اطلاعات تاریخی مربوط به پیامبر را از قرآن می توان به دست آورد نظر برخی مستشرقان مانند کایتانی و جونز، از تفاوت های گاه شماری که مشخصه روایات موجود در تفسیر و سیره می باشد مورد توجه است. طبق نظر کرون، این روایات از قرآن الهام گرفته اند.<sup>۳</sup>

وی نظر ساشا دینا را که برداشت متفاوتی از مفهوم جهاد دارد، چنین بیان می کند: «... این مفسران و فقیهان به پرسش ها پاسخ می دادند... آثار این افراد بازتابی است از استنتاج مستقل و جداگانه شان برای تهیه پاسخی مناسب به واقعیات اجتماعی- سیاسی جامعه اسلامی»؛<sup>۴</sup> دین اسلام فقط در شرایطی ویژه، جنگ را جایز می شمارد و حتی جنگ های صورت گرفته

در آورید (توبه، ۵).

۱. ر.ک: دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲. همان، ص ۳۸۱.

۳. همان.

۴. همان.

نیز قوانین و ضوابطی ویژه داشته است؛<sup>۱</sup> وی در انتهای این محور به این نکته اشاره می‌کند که هریک از واژگان به‌کاررفته در قرآن که مربوط به جنگ است، دارای بار معنایی متفاوتی هستند؛ مثلاً ریشه «ج ه د» که معمولاً به «کوشش» تعبیر شده است، به معنای «جنگیدن» نیز می‌تواند باشد و ریشه «ف ت ح» به معنای «تفرقه» یا «کفر» است که در نتیجه به خاطر وجود معانی مختلف ریشه‌های عربی، در کنار نبودن اتفاق نظر درباره گاه‌شماری آیات قرآنی، زمینه برای تفسیرهای مختلف از این موضوعات باز شده است.

## ۲- نقاط قوت و ضعف

دیدگاه رضوی فیزر در مدخل جنگ‌ها و لشکرکشی‌ها، در دایرةالمعارف قرآنی لیدن دارای نقاط ضعف و قوتی است که در ادامه، به صورت کلی، به چند نمونه اشاره می‌شود.

### ۱-۲. قوت‌ها

مقاله حاضر دارای نکات مثبتی همچون توجه به بحث لغوی و آماری است؛ یکی از این موارد تحلیل معنای «عن ید» است؛ نویسنده در این باره می‌گوید:

«عن ید» غالباً به معنای «تسلیم با طیب‌خاطر» ترجمه شده و براساس عهدنامه‌هایی که خالد بن ولید تنظیم نموده، «ید» به معنای اموال، استعمال می‌گردید و معتقد بود: دادن جزیه برای صاحب اموال وضع می‌شد.<sup>۲</sup>

نقطه قوت دیگر مدخل جنگ‌ها و لشکرهای پیامبر ﷺ، پرداختن به مباحث آماری است؛ مثلاً دسته‌بندی جنگ‌های معروف حضرت رسول ﷺ همچون بدر، احد، خندق، مؤنه، مکه، حنین و تبوک علیه مشرکان و خیبر و فدک علیه یهودیان بنی‌قینقاع، بنی‌نظیر، بنی‌قریظه، چنینش زیبایی به مقاله داده است؛<sup>۳</sup> یکی دیگر از نقاط قوت مقاله فیزر، استفاده و بیان نقل‌هایی از تفاسیر شیعه در کنار تفاسیر اهل سنت است؛ مثلاً در مورد آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُؤًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَ الْمُؤْمِنِينَ»<sup>۴</sup> نظر مفسران شیعه را بیان می‌کند که این آیه اشاره به جنگ‌های علی علیه‌السلام علیه پیمان‌شکنان (طلحه و زبیر)، منحرفان از ایمان راستین (خوارج) و ستمگران (معاویه) است.<sup>۵</sup>

۱. همان.

۲. همان، ص ۳۸۰.

۳. رک: همان، ص ۳۷۸.

۴. المائده، ۵۷.

۵. رک: دایرةالمعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۷.



از جمله ضعف‌هایی مشهود در قلم نویسنده، بیان نظرات خویش به صورت محافظه‌کارانه است که در مواردی با پنهان نمودن عقیده خویش، در پس روایات ضعیف و گفته‌های نامتعارف برخی نویسندگان مغرض مستشرق، همچون میور و گابریلی به بیان غرض خود می‌پردازد؛ وی به نقل از این افراد به شرح حمله بنی قریظه که در آیه ۹ و ۱۰ سوره احزاب<sup>۱</sup> به آن اشاره شده است، اعدام افراد قبیله را توسط پیامبر ﷺ محکوم نمود، درحالی‌که «لینگز» این مجازات را در ادامه سنت یادشده در سفر تثبیه موجه می‌داند و «ولید نجیب عرفات» این اعدام را رد نموده، چراکه با روح اسلام یکسره منافات دارد؛ «قسطر» ادعای عرفات را نمی‌پذیرد و ادعا دارد فقهای مسلمان با استنتاج قوانین از این رویداد، عملاً بر آن صحنه گذاشته‌اند؛ از جمله ایراداتی که می‌توان به نویسنده این مدخل وارد نمود، غلط بودن ارجاع برخی آیات است؛ برای نمونه آیه سیزده آل عمران<sup>۲</sup> که مفسران احتمال داده‌اند<sup>۳</sup> در مورد قبیله بنی قینقاع باشد، ایشان به آیه ده آل عمران<sup>۴</sup> اشاره نموده است که هیچ ربطی به شأن نزول مورد نظر - که مربوط به بعد جنگ «بدر» و پیروزی مسلمانان، است - ندارد؛ در شأن نزول این آیات وارد شده است:

جمعی از یهود گفتند: آن پیامبری که ما وصف او را در کتاب دینی خود (تورات) خوانده‌ایم که در جنگ مغلوب نمی‌شود همین پیغمبر است؛ بعضی دیگر گفتند: عجله و شتاب نکنید تا نبرد و واقعه دیگری واقع شود آن گاه قضاوت کنید؛ هنگامی که جنگ احد پیش آمد، و ظاهراً به شکست مسلمانان پایان یافت، گفتند: نه، به خدا سوگند آن پیامبری که در کتاب ما بشارت به آن داده شده، این نیست و به دنبال این واقعه نه تنها مسلمان نشدند، بلکه بر خشونت و فاصله گرفتن از پیامبر و مسلمانان افزودند، حتی پیمانی را که با رسول خدا ﷺ در مورد عدم تعرض داشتند، پیش از پایان مدت نقض کردند و شصت نفر سوار به اتفاق "کعب اشرف" به سوی مکه رهسپار شدند و با مشرکان برای مبارزه با اسلام هم پیمان گردیده به مدینه مراجعت کردند، در این هنگام آیه فوق نازل شد و پاسخ دندان

۱. «أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا، إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا».

۲. «قَدْ كَانَ لَكُمْ ءَايَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَهُمْ رَأَى الْعَيْنُ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ».

۳. ر.ک: مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۲۵۴؛ المیزان، ج ۳، ص ۹۲.

۴. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِي عَنْهُمْ ءَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ سَيِّئًا وَءَأْتِنَاكَ هُمْ وَقُودُ النَّارِ».

شکنی به آنها داد که نتیجه را در پایان کار حساب کنید و بدانید بزودی همگی مغلوب خواهید شد.<sup>۱</sup>

همچنین وی با ارجاع به آیه ۵۶ سوره مائده<sup>۲</sup> که مربوط به آیه ولایت است و ارتباطی به حمله پیامبر ﷺ به بنی قینقاع ندارد، اشتباه خود را تکرار نموده است؛ درحالی که باتوجه به نظر مفسران، آیات ۵۱، ۵۲ همین سوره بیزاری عبادة بن صامت، از قبیله بنی عوف بن خزرج، نسبت به بنی قینقاع را، به خاطر اینکه با رسول خدا ﷺ جنگیدند، نقل می کند، با اینکه بین بنی عوف و بنی قینقاع سوگند بر نصرت بر قرار بود، ولی عبدالله بن ابی رئیس منافقین بیزاری نجست و به سرعت به سوی بنی قینقاع شتافت و چنین بهانه آورد که ما می ترسیم پیمان یاری را که با بنی قینقاع داریم، لغو کنیم، آن وقت شهر از ناحیه دشمن مورد هجوم واقع شود و یآوری نداشته باشیم.<sup>۳</sup>

### ۳- نقد و بررسی محتوای محورهای مدخل جنگ

در این بخش ابتدا مباحث فیزر به چند محور تقسیم و سپس به بررسی و نقد محورهایی که رضوی فیزر در مدخل جنگ ارائه کرده، پرداخته می شود.

#### ۳-۱- ارتباط ضعیف بین قرآن و سنت و نقد این دیدگاه

فیزر در مدخل جنگ معتقد است بین قرآن و سنت ارتباط ضعیفی وجود دارد و می گوید:

به اعتقاد مسلمانان، قرآن از زمان بعثت محمد ﷺ تا وفات وی در بخش های جداگانه نازل شد؛ این ماهیت غیر زمانمند و قطعه قطعه جمع قرآن، انطباق آیات- بخصوص آیات مربوط به جنگ- را با زمینه حیات پیامبر دشوار کرده است.<sup>۴</sup>

همچنین او در ذیل محور جنگ ها و لشکرکشی ها در رابطه با مرتبط نبودن قرآن و سنت چنین می نگارد: «واژه مغازی از ریشه «غ زو»، که بهترین معادل برای «جنگ ها و لشکرکشی ها» است، در قرآن ذکر نشده است؛ این امر نکته مهمی در نبود ارتباط میان قرآن و سنت [حدیث و اخبار] است»<sup>۵</sup> و در بخش خاتمه دوباره چنین به مسئله اشاره می کند:

۱. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۴۹.  
 ۲. ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾.  
 ۳. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۶۰۶.  
 ۴. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ۳۷۴.  
 ۵. همان.

این پیوندهای ناچیز بین قرآن و سنت [آثار و سیره، تفسیر و فقه] به ناچار شخص را وامی‌دارد تا برای درک دستوره‌های متنوع این کتاب، متن را بیشتر بررسی کند.<sup>۱</sup> در پاسخ فیزر، دلایل فراوانی مبنی بر ارتباط محکم و ناگسستنی بین قرآن و سنت وجود دارد؛ همچنین آیات و روایاتی به ارتباط بین قرآن و سنت پرداخته‌اند که به مواردی از آنها اشاره می‌شود:

- ۱- ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا...﴾<sup>۲</sup> مفسران این آیه را شامل همه دستوراتی که رسول خدا ﷺ امر می‌کند و نهی‌هایی که صادر می‌فرماید، می‌دانند.<sup>۳</sup>
- ۲- ﴿وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾<sup>۴</sup> این آیه بر حجیت قول رسول خدا ﷺ در بیان آیات قرآن و تفسیر آن، دلالت دارد به این دلیل که منظور از «مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» عقاید، مفاهیم و شرایعی است که رسول خدا ﷺ مسئولیت آن را برعهده دارد؛<sup>۵</sup> از منظر شیعه، افزون بر رسول خدا، اهل بیت علیهم‌السلام نیز چنین جایگاه تبیینی در مسائل دینی دارند؛ بنابراین همان‌گونه که علامه طباطبایی می‌گوید: روایاتی که مورد پذیرش هستند و به صحت آنها یقین کامل حاصل شود با قرآن کاملاً هماهنگ هستند.<sup>۶</sup>
- ۳- ﴿مَنْ يَطِعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾<sup>۷</sup> براساس این آیه طاعت پیامبر ﷺ همان طاعت خداوند است و اگرچه به واسطه اینکه با اراده پیامبر ﷺ موافقت کرده، طاعت پیامبر ﷺ کرده است؛ لکن در حقیقت اطاعت خدا کرده؛ زیرا مطابق امر و اراده اوست؛<sup>۸</sup> بنابراین اطاعت خدا از اطاعت پیامبر ﷺ نمی‌تواند جدا باشد؛ زیرا پیامبر ﷺ هیچ گامی بر خلاف خواست خداوند بر نمی‌دارد.<sup>۹</sup> علاوه بر آیات، در روایات بسیاری نیز به ارتباط بین قرآن و سنت اشاره شده است؛ مثلاً پیامبر ﷺ فرمودند:

إِنَّ عَلَىٰ كُلِّ حَقٍّ حَقِّيَّةً وَ عَلَىٰ كُلِّ صَوَابٍ نُورًا فَمَا وَافَقَ كِتَابَ اللَّهِ فَخُذُوهُ وَ مَا

۱. همان، ص ۳۸۱.

۲. آنچه را پیامبر به شما عطا کرد بگیرید و از آنچه شما را نهی کرد، باز ایستید؛ حشر، ۷.

۳. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۹ ج، ص ۲۰۴؛ مفاتیح الغیب ج ۲۹، ص ۵۰۷.

۴. و کتاب‌های آسمانی [فرستادیم]، و قرآن را [هم] به سوی تو نازل کردیم به خاطر اینکه برای مردم آنچه را که برای [هدایتشان] به سویشان نازل شده بیان کنی (نحل، ۴۴).

۵. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۲۴۳؛ من وحی القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۳.

۶. ر.ک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۳۸۱.

۷. هر که از پیامبر اطاعت کند، در حقیقت از خدا اطاعت کرده و هر که روی برتابد [حسابش با ماست]. ما تو را بر آنان نهبان [اعمالشان که به طور اجبار از فسق و فجور حفظشان کنی] نفرستادیم (نساء، ۸۰).

۸. مجمع البیان، ج ۳، ص ۱۲۴.

۹. تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۵.

خَالَفَ كِتَابَ اللَّهِ فَدَعُوهُ؛ برای هر امر حقی و حقیقتی موجود است (که به سوی آن حق رهبری میکند) و بر سر هر امر درستی، نوری موجود است، پس آنچه موافق قرآن است اخذ کنید و آنچه مخالف قرآنست ترك نمائید.<sup>۱</sup>

مرحوم کلینی در کتاب الکافی در بابی با عنوان «بَابُ الْأَخْذِ بِالسُّنَّةِ وَ شَوَاهِدِ الْكِتَابِ» دوازده حدیث جمع آوری کرده که طبق آنها تنها احادیث موافق قرآن صحیح و مورد پذیرش است و احادیث مخالف قرآن مردود هستند؛ این روایات دلیل دیگری بر ارتباط محکم و ناگسستنی بین قرآن و احادیث است.<sup>۲</sup>

تاکید معصومان علیهم السلام بر جدایی ناپذیری قرآن و سنت براین که همواره بین آیات قرآن و سنت رسول الله ارتباط وجود دارد، دلالت می کند و حتی موافقت سنت نبوی با قرآن، به عنوان ملاکی برای تایید و ارزیابی روایات، از سوی اهل بیت مطرح شده است؛<sup>۳</sup> امام صادق علیه السلام می فرماید: «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ فَهُوَ زُخْرَفٌ»؛<sup>۴</sup> بنابراین بر اساس آیات و روایات بسیار، ارتباط ناگسستنی بین قرآن و سنت وجود دارد و این ارتباط را عالمان و پژوهشگران شیعه و اهل سنت تأکید کرده اند؛ اما رضوی فیزر با نگاهی سطحی و تنها به علت کمی وجود کلمه «غزوه» و مشتقات آن در قرآن، به این نتیجه رسیده است که ارتباط بین قرآن و سنت ضعیف است.

## ۲-۳- انکار وجود قبیله بنی قینقاع و نقد این دیدگاه

فیزر در بخشی از مدخل جنگ ها و لشکرکشی ها در رابطه با قبیله بنی قینقاع می گوید:  
از آنجا که قرآن از هیچ قبیله یهودی که در روایات ذکر شده است به صراحت نام نمی برد، مفسران حق دارند برای تبیین بسیاری از اشاره های قرآنی نسبت به کافران و اهل کتاب روایات را گزینش کنند.<sup>۵</sup>

وی این سخن را در توضیح رد قبیله بنی قینقاع می گوید؛ چون فیزر می نویسد:  
به اعتقاد ابن اسحاق، آیه ۱۰ سوره آل عمران<sup>۶</sup> و ۵۶ سوره مائده<sup>۷</sup> و به نظر واقدی در کتاب مغازی آیه ۵۸ سوره انفال<sup>۸</sup> از حمله محمد صلی الله علیه و آله به بنی قینقاع

۱. الکافی، ج ۱؛ ص ۶۹.

۲. همان.

۳. ر.ک: همان، ص ۶۹.

۴. المحاسن، ج ۱، ص ۲۲۱.

۵. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۸۲.

۶. «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ نُغْنِي عَنْهُمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا أَوْلَادَهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ».

۷. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُغْلِبُونَ».

۸. «وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ».

خبر می‌دهد، درحالی‌که طبق نظر کلیبی، بنی‌قینقاع حتی وجود خارجی نداشته است؛ جالب آنکه در روایات مغازی عروه بن زبیر نیز هیچ اطلاعی از قبیله بنی‌قینقاع نیست.<sup>۱</sup>

در پاسخ فیزر باید گفت که در مدینه سه طایفه معروف از یهود زندگی می‌کردند: «بنی‌قریظه»، «بنی‌النضیر» و «بنی‌قینقاع»؛ هر سه گروه با پیامبر پیمان بستند که با دشمنان او همکاری نکرده، به نفع آنان جاسوسی نکنند و با مسلمانان هم‌زیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند؛ پس از مدتی هر کدام از آنان به بهانه‌ای پیمان خود را شکستند و به مبارزه با پیامبر ﷺ برخاستند<sup>۲</sup> و شکست خوردند و همین امر سبب شد که بنی‌قینقاع به سوی «اذرعات» شام و بنی‌نضیر به خیبر بروند.<sup>۳</sup>

بنابراگفته مورخان، این قبیله که شجاع‌ترین یهودیان به شمار می‌رفتند؛ هیچ گونه کشت و زرعی نداشتند و کارشان زرگری و صنعت‌گری بود؛ از این روست که بازار بنی‌قینقاع در یثرب شهرت داشت؛ چگونه ممکن است قبیله‌ای وجود خارجی نداشته باشد و در عین حال تعداد بی‌شماری از مورخان از جمله ابن‌سعد، بلاذری، طبری، مسعودی، واقدی، ابن‌شبه و ابن‌اسحاق به آنان اشاره کرده، تنها بر زمان دقیق برخورد با بنی‌قینقاع اختلاف نظر داشته باشند؛ طبری ذیل آیه دوازده سوره آل‌عمران می‌گوید:

لما أصاب رسول الله ﷺ قريشا يوم بدر فقدم المدينة، جمع يهود في سوق بني قينقاع فقال: «يا معشر يهود، أسلموا قبل أن يصيبكم مثل ما أصاب قريشا»<sup>۴</sup>

ابن‌ابی‌حاتم از ابن‌عباس نقل می‌کند: زمانی که بین اوس و خزرج جنگ می‌شد، بنی‌قینقاع با خزرج و بنی‌نضیر با اوس همکاری می‌کردند؛<sup>۵</sup> از طرفی برخی، شأن نزول آیه ﴿وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ﴾<sup>۶</sup> را قبیله بنی‌قینقاع می‌داند.<sup>۷</sup>

امام صادق عليه السلام ذیل آیه ۱۲ سوره آل‌عمران می‌فرماید:

۱. دایرة المعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۷۹.

۲. رک: المیزان، ج ۱۹، ص ۲۰۷.

۳. رک: کامل ابن‌اثیر، ج ۲، ص ۱۷۳-۱۳۷ به نقل از تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۶۹.

۴. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۲۸.

۵. رک: تفسیر القرآن العظیم (ابن‌ابی‌حاتم)، ج ۱، ص ۱۶.

۶. «و اگر از خیانت و پیمان‌شکنی گروهی [که با آنان هم‌پیمانی] بیم داری، پس به آنان خبر ده که [پیمان] به صورتی مساوی [و طرفینی] گسسته است؛ زیرا خدا خائنان را دوست ندارد»؛ (انفال، ۵۶).

۷. رک: الدر المنثور، ج ۳، ص ۱۹۱.

فَاتَمَّا نَزَلَتْ بَعْدَ بَدْرِ لَمَّا رَجَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ بَدْرِ أَتَى بَنِي قَيْنِقَاعَ وَهُوَ يَتَأَدَّبُهُمْ  
وَكَانَ بِهَا سُوقٌ يَسْمَى سُوقَ النَّبِطِ فَاتَّاهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ «يَا مَعْشَرَ الْيَهُودِ  
قَدْ عَلِمْتُمْ مَا نَزَلَ بِفُرَيْشٍ وَهُمْ أَكْثَرُ عَدَدًا وَ سَلَاحًا وَ كُرَاعًا مِنْكُمْ فَادْخُلُوا فِي  
الْإِسْلَامِ»<sup>۱</sup>.

بنابراین باتوجه به شواهد بسیار نمی‌توان در وجود قبیله بنی‌قینقاع تردید داشت؛ مسلمانان پانزده روز آنان را در میان دژهایشان محاصره کردند؛ تنگی محاصره و ترس و وحشت در داخل خانه‌ها، بنی‌قینقاع را ناچار به تسلیم کرد؛ پس از این که آنان از قلعه‌ها پایین آمدند، رسول خدا ﷺ دستور بازداشت همه را صادر کرد و به دستور حضرت رسول ﷺ اقدام به کوچ به سمت شام نمودند؛ پس از این حادثه نامی از قبیله بنی‌قینقاع در تاریخ به چشم نمی‌خورد؛<sup>۲</sup> بنابراین باتوجه به نظر مورخان و مفسران بر خلاف نظر فیزر، چنین مواجهه‌ای با قبیله‌ای به نام بنی‌قینقاع وجود داشته که بدون جنگ و خونریزی و کوچاندن این قبیله به مناطق شام قائله پایان یافته است.

### ۳-۳- بررسی روایات پیرامون سرانجام بنی‌قریظه و نقد

رضوی فیزر در محور جنگ‌ها و لشکرکشی‌های پیامبر به روایتی از واقدی و ابن اسحاق استناد می‌کند که اعتبار آن مورد تایید نیست و قابل نقد است؛<sup>۳</sup> فیزر در شرح حمله به بنی‌قریظه که در سوره احزاب بدان اشاره شده است، به نقل از سیره مغازی ابن اسحاق می‌پردازد و به گونه‌ای معنادار، برای تایید روایات مربوط به اعدام افراد قبیله، به نقل قول‌هایی اشاره می‌کند؛ همچنین برای اثبات این اعدام‌ها از مورخان همچون «میور» و «گابریلی» نام می‌برد که آنان پس مطالعه این روایات، کشتارهای منسوب به پیامبر ﷺ را محکوم نموده و «لینگز» این مجازات را در ادامه سنت مذکور در کتاب تورات در سفر تثنیه موجه می‌داند و در نهایت با وجود آوردن نظر نجیب عرفات مبنی بر رد این اعدام‌ها که با روح اسلام منافات دارد، روایاتی از تفاسیر مربوط به مجاهدین جبر و طبری را بیان می‌کند که روایت ابن اسحاق را تایید می‌کنند.<sup>۴</sup>

در پاسخ فیزر باید گفت، در سال پنجم هجرت هنگامی که غزوه «احزاب» رخ داد، تنها طایفه «بنی‌قریظه» در مدینه باقی ماندند، و همان‌گونه که در تفسیر آیات جنگ احزاب آمده است آنان در این میدان پیمان خود را شکسته، به مشرکان عرب پیوستند و به روی

۱. تفسیر القمی، ج ۱، ص ۹۷.

۲. ر.ک: پیامبر و یهود حجاز، ۱۳۷۸، ص ۲۹۱.

۳. در ادامه به نقد این روایت‌ها پرداخته خواهد شد.

۴. ر.ک: دایرةالمعارف لیدن، ج ۲، ص ۳۸۰، ۳۷۹.

مسلمانان شمشیر کشیدند؛<sup>۱</sup> در سوره احزاب خداوند به صراحت در مورد آنان می فرماید: «وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاصِيهِمْ وَقَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ»<sup>۲</sup> و «وَأُورِثَكُمْ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَّوُّهَا»<sup>۳</sup> بعد از کشته شدن و اسارت آنان، زمین ها و خانه ها و اموال آنان و سرزمینی را که تا آن روز قدم در آن نهاده بودید به ملك شما درآورد؛ سپس رسول خدا دستور داد: جنگجویان را به نقلی گفته اند: ششصد نفر بودند - کشتند، برخی گفته اند: چهارصد و پنجاه نفر کشته و هفتصد و پنجاه نفر اسیر شدند.<sup>۴</sup>

وقتی رسول خدا ﷺ حی بن اخطب را دید، فرمود: آگاه باش که به خدا سوگند من هیچ ملامتی در دشمنی با تو ندارم و گناه و خطایی مرتکب نشده ام و این بیچارگی تو از این جهت است که خواستی خدا را بیچاره کنی؛ آنگاه فرمود: ای مردم از آنچه خدا برای بنی اسرائیل مقدر کرد، ناراحت نشوید، این همان سرنوشت و تقدیری است که خدا علیه بنی اسرائیل نوشته و مقدر کرده است؛ سپس سراز بدن حی بن اخطب جدا کردند<sup>۵</sup> و این آیه نازل شد: «وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَاصِيهِمْ...». واقعه کشته شدن حی بن اخطب را مفسران زیادی نقل کرده اند؛<sup>۶</sup> یهود بنی قریظه ناچار بدون قید و شرط تسلیم شدند پیامبر ﷺ فرمود آیا راضی هستید هرچه سعد بن معاذ درباره شما حکم کند، اجرا نمایم؟ آنان راضی شدند؛ سعد بن معاذ گفت: اکنون موقعی رسیده که سعد بدون در نظر گرفتن ملامت ملامت کنندگان حکم خدا را بیان کند؛ سعد هنگامی که دو بار از یهود اقرار گرفت که هرچه او حکم کند، خواهند پذیرفت؛ چشم خود را بر هم نهاد و رو به پیامبر ﷺ کرد و گفت: شما هم حکم مرا می پذیرید؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری؛ گفت: من می گویم: آنان که آماده جنگ با مسلمانان بودند (مردان بنی قریظه) باید کشته شوند، فرزندان و زنانشان اسیر و اموالشان تقسیم گردد؛ اما گروهی از آنان که اسلام را پذیرفتند، نجات یافتند.<sup>۷</sup> این داوری سعد بر اساس پیمانی بود که یهودیان با مسلمانان بسته بودند و متعهد شده بودند در صورت پیمان شکنی این چنین مجازات

۱. تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۶۹.

۲. [و خدا] کسانی را از اهل کتاب که گروه های دشمن را پشتیبانی کردند از قلعه های محکم و استوارشان پایین کشید و در دل هایشان ترس و بیم افکند، گروهی را می کشتید و گروهی را اسیر می کردید؛ (احزاب، ۲۶).

۳. و سرزمینشان و دیار و اموالشان و سرزمینی که به آن قدم نگذاشته بودید به شما میراث داد؛ (احزاب، ۲۷).

۴. ر.ک: میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۴۳۶.

۵. ر.ک: همان، ص ۴۵۲.

۶. ر.ک: همان، ص ۴۵۳؛ تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۹۰؛ تفسیر روح البیان، ج ۷، ص ۱۶۳.

۷. ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۷۵.

گردند؛ پیامبر ﷺ پذیرفته بود، یهود بنی قریظه با وجود خیانت بزرگی که کرده بودند، اسلام بیاورند، تا از جنایات آنان صرف نظر کند و آنان به زندگی خود ادامه دهند، ولی یهودیان لجاجت کرده و بر دشمنی نسبت به اسلام پافشاری کردند.

در اینجا ممکن است برخی بگویند: اگر پیامبر ﷺ این گروه یهود را می بخشید و اجازه می داد که از مدینه خارج شوند بهتر بود؛ اما در پاسخ باید گفت: پیش از بنی قریظه، پیامبر ﷺ یهودیان بنی قینقاع و بنی نظیر را بخشید؛ اما آنان رفتند و کفار قریش را تحریک کردند تا جنگ بدر و احزاب را علیه مسلمانان راه انداختند و در پی آن صدمات و خسارات زیادی به مسلمانان وارد شد؛ اگر بار دیگر به یهودیان اجازه می دادند از مدینه خارج شوند، دوباره علیه مسلمانان دست به توطئه و دشمنی می زدند؛ یهودیان، در طول تاریخ کوشیده اند همیشه چهره ای مظلوم از خود به جای بگذارند؛ در آمار کشته های خود که توسط مخالفان به قتل رسیده اند، مبالغه می کنند؛ همچنین چگونگی کشته شدن آنان را به صورتی جلوه می دهند که نشانگر مظلومیت و مقاومت آنان در راه عقیده و ایمان باشد.<sup>۱</sup>

در نهایت باید گفت: نخست آنکه: پیامبر ابتدا و بدون هیچ دلیل دستور کشتار یهودیان را نداد، بلکه آنها گرفتار نتیجه خیانت ها و عهدشکنی های خود نسبت به پیمان شان شدند؛ دوم: همان طور که گذشت پیامبر با طایفه های بنی قینقاع و بنی نظیر با گذشت رفتار نمود و از خون آنان گذشت؛ تنها طایفه بنی قریظه با حکم قرار دادن سعد بن معاذ و پذیرش حکمیت او از سوی یهودیان محکوم به اعدام شدند و پیامبر دستور کشتار آنان را نداد؛ سوم: با اینکه پیامبر از در لطف و گذشت با قبیله بنی قینقاع و بنی نظیر رفتار کرد، ولی آنان باز از کار خود دست برنداشته و در خیبر بر علیه اسلام و مسلمانان اقداماتی انجام دادند و اعراب مکه را بر علیه اسلام شوراندند؛ ولی پیامبر باز پس از فتح خیبر با آنان از سر لطف و گذشت برخورد کرد و آنان را طبق قراردادی رها کرد؛<sup>۲</sup> چهارم: همان طور که نوشته شده، این داستان فقط و فقط یک سند دارد: سیره ابن اسحاق که ۱۴۰ سال بعد از این واقعه نوشته شده است؛ همچنین فقها در همه عصرها، چه شیعه و چه اهل سنت، که از سیره پیامبر ﷺ حکم و فتوا استخراج می کنند، هیچ کدام حتی فقیهان عصر ابن اسحاق مثل «ماوردی»، بر مجاز بودن قتل اسیر حکم ندادند؛ جالب است بدانید که دکتر اسرائیل، در کتاب تاریخ یهودان و عربستان می نویسد:

۱. ر.ک: تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، ص ۸۵ تا ۸۹.

۲. ر.ک: فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۴۶۶ و جلد ۲، ص ۱۵۴.



هرگز ارزش نداشت یهود چنین خطائی را مرتکب شود، هرچند قریش تقاضای آنها را رد می‌کرد. علاوه بر این، هرگز صحیح نبود ملت یهود به بت پرستان پناه ببرد؛ زیرا این رفتار با تعلیمات تورات موافق نیست.<sup>۱</sup>

نتیجه آنکه در مورد قبیله بنی قریظه دو نگاه وجود دارد، عده‌ای معتقدند که این داستان فقط و فقط یک سند دارد، سیره ابن اسحاق که ۱۴۰ سال بعد از این واقعه نوشته شده و عده‌ای با بررسی ماجرای بنی قریظه اصل قضیه را قبول می‌کند؛ ولی در تعداد کشته شدگان تردید دارند؛<sup>۲</sup> یعنی درست است که برخی از یهودیان این قبیله کشته شدند ولی این‌گونه نبود که پیامبر ابتدا و بدون هیچ دلیلی دستور کشتار یهودیان را بدهند، بلکه آنان نتیجه خیانت‌ها و عهدشکنی‌هایی که انجام داده بودند، را دیدند.

### نتیجه‌گیری

باتوجه به متن مدخل و نقد و بررسی که درباره آن گذشت می‌توان نتیجه گرفت:

نگاه گزارش‌گرانه نویسنده یادشده و آگاهی کم وی نسبت به عمق و روح متعالی اسلام و قرآن و گاه به علت در دسترس نبودن گستره منابع شیعی نسبت به منابع اهل سنت، سبب شده وی با قلمی محافظه‌کارانه، با ارجاع دادن به نظرات منابع پیشین، سیره پیامبر ﷺ را جنگ طلبی نشان دهد؛ در صورتی که اجرای هر یک از احکام جهاد توسط پیامبر ﷺ بر اساس قوانین و احکام عقل‌پسندانه و حکیمانه بوده است، نه صرف جنگ طلبی و خونریزی‌های بی‌اساس که سنت رسول خدا ﷺ به دور از آنها است؛ وی با همین کم‌عمقی نگاه و بدون توجه به روایات بسیار و متواتری که حاکی از ارتباط دو سویه و جدایی‌ناپذیر، بین قرآن و سنت است، قلم خویش را به ارتباط ضعیف بین این دو سوق داده است؛ پسندیده است که خاورشناسان مدعی متدلوزی و صاحب نوشته‌های مبتنی بر عقل و منطق، بدون تعصب و جانب‌داری، دایرةالمعارف‌های خویش را قلم‌زنند تا خواننده بدون نگاه غرض‌ورزانه با حقیقت روبرو گردد.

۱. همان، ج ۱، ص ۶۱۳.

۲. ر.ک: الصحيح من سيرة النبي الاعظم، ج ۱۲، ص ۸۸.

۱. قرآن کریم.
۲. پیامبر و یهود حجاز، مصطفی صادق، قم: بوستان کتاب، سوم، ۱۳۷۸ ش.
۳. تاریخ تحلیلی اسلام تا پایان امویان، سید جعفر شهیدی، تهران: ستاد انقلاب فرهنگی، مرکز نشر دانشگاهی، سوم، ۱۳۶۳ ش.
۴. تفسیر القرآن العظیم، عبدالرحمن بن محمد ابن ابی حاتم، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، سوم، ۱۴۱۹ ق.
۵. تفسیر القمی، علی بن ابراهیم، محقق: طیب موسوی جزائری، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳ ش.
۶. تفسیر روح البیان، اسماعیل حقی بروسی، دار الفکر، بیروت: بی جا، بی تا.
۷. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامی، نهم، ۱۳۷۴ ش.
۸. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ابو جعفر محمد بن جریر طبری، بیروت: دارالمعرفه، اول، ۱۴۱۲ ق.
۹. دائرة المعارف قرآن لیدن، جین دمن مک اولیف، مترجم: ابراهیم موسی پور، اسدالله آژیر، امیر مازیار و دیگران، تهران: حکمت، ۱۳۹۲ ش.
۱۰. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. «شبهات مستشرقین پیرامون جهاد و قتال در اسلام و پاسخ قرآنی آن (عنوان عربی: شبهات المستشرقین حول الجهاد و القتال فی الإسلام و أجوبتها القرآنیه)»، کاظم قاضی زاده، محمدعلی مهدوی راد، محمدعلی لسانی فشارکی، علیرضا حسنی، مجله علوم انسانی: تابستان ۱۳۸۸، دوره ۱۶، شماره ۳، از صفحه ۹۳ تا صفحه ۱۱۲.
۱۲. الصحيح من سیره النبی الاعظم، سید جعفر مرتضی عاملی قم: دارالحدیث، ۱۳۸۵ ش.
۱۳. فروغ ابدیت، جعفر سبحانی، قم: انتشارات تبلیغات اسلامی، بیست و دوم، ۱۳۸۵ ش.
۱۴. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۶. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۷. من وحی القرآن، محمدحسین فضل الله، بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ ق.
۱۸. المیزان فی تفسیر القرآن، سید محمدحسین طباطبایی، ترجمه: سید محمدباقر موسوی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۴ ش.
۱۹. «همگرایی قرآن و سنت»، سیدموسی صدر، ۱۳۹۴، فصلنامه پژوهش های قرآنی، جلد ۵-۶، ص ۵.